

پایه :	۶	موضوع :	فقه ۶
تاریخ :	۹۲/۰۳/۱۱	ساعت :	۸

نام کتاب: شرح لمعه، کتاب مدهود از الفصل الفامس تا پایان کتاب الديات (ص ۳۴۱ تا پایان)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. فی عین ذی الواحدة ... اذا كان العور خلقه أو بأفة من الله.
 - أ. نصف الدية
 - ب. الدية الكاملة
 - ج. الارش
 - د. الحكومة
۲. در صورت اکراه بر قتل، حکم مکروه آمر و مباشر مکروه به ترتیب ... می‌باشد.
 - أ. قصاص، قصاص
 - ب. حبس ابد، حبس ابد
 - ج. قصاص، حبس ابد
 - د. حبس، قصاص
۳. معلّم السباحة للمتعلم الصغير لو جنى عليه بها ...
 - أ. يضمن في ماله لأنه شبه العمد
 - ب. لا يضمن لأنه لا يفرط
 - ج. يضمن في ماله لأنه عمد
 - د. يقتصر منه
۴. میزان ديه در «تعذر الانزال للمنى حالة الجماع» و «اذهاب الصوت مع بقاء اللسان» به ترتیب چقدر است؟
 - أ. ثلث الدية - نصف الدية
 - ب. الدية الكاملة في كليهما
 - ج. الدية الكاملة - نصف الدية
 - د. نصف الدية - الدية الكاملة

سؤالات تشریحی:

* لو تكرر الارتداد والاستتابة من الملى قتل في الرابعة او الثالثة لأن الكفر بالله تعالى اكبر الكبائر و قد عرفت ان اصحاب الكبائر يقتلون في الثالثة و لا نص هنا بالخصوص و الاحتياط في الدماء يقتضى قتله في الرابعة.

۱. دو قول مطرح شده و دليل هر کدام را توضیح دهید. ۳۹۰/۴

یک قول این است که مرتد ملی بعد از سومین دفعه‌ای که مرتد می‌شود باید کشته شود زیرا این گناه از اکبر و بزرگترین گناهان کبیره است و کسانی که گناه کبیره می‌کنند در دفعه سوم کشته می‌شوند. ولی قول دیگر می‌گوید چون مسأله قتل و کشتن او مطرح است و شارع مقدس در باب دماء احتیاط می‌کند لذا احتیاط ایجاب می‌کند دیرتر و در دفعه چهارم کشته شود.

۲. دية «قتل عمد» چیست؟ نام ببرید. ۴۸۷/۴

۱. مئة من مسانّ الابل ۲. متنا بقرة ۳. متنا حله ۴. الف شاة ۵. الف دينار ۶. عشرة آلاف درهم.

* اذا لم يقصد القتل بالنادر فلا قود و ان اتفق الموت كالضرب بالعود الخفيف في غير مقتل فيكون القتل شبيه الخطأ. ۳۹۹/۴

۳. مقصود از «النادر» و «فی غیر مقتل» را بیان کرده، توضیح دهید چرا قتل در این مورد، شبه خطائی است؟

«النادر» یعنی چیزی که قتل به ندرت به واسطه آن اتفاق می‌افتد. «فی غیر مقتل» یعنی غیر جای حساس بدن مثل گیجگاه؛ چون آلت قتاله نبوده است بنا بر این قتل عمد صدق نمی‌کند و از طرفی چون قصد قتل بوده است خطا محض نیست.

* لو بَنَجَ غيره او سقى مُرْقداً و جنى على المتناول بسببه شيئاً ضمن ما جناه و غَزَرَ على فعله المحرّم. ۳۷۲/۴

۴. أ. مراد از «بَنَجَ غيره» و «سقى مُرْقداً» چیست؟ ب. حکم مسأله را بنویسید.

أ. یعنی به دیگری بنگ (نوعی ماده مخدر) بنوشاند، و نیز ماده خواب آور بخوراند ب. ضامن جنایات است و باید جنایتی را که وارد کرده جبران نماید و نیز تعزیر می شود به خاطر کار حرام.

* القول فى ما يثبت به القتل و هو ثلاثة الاقرار و البيّنة و القسامة، و القسامة تثبت مع اللوث. ۴۳۱/۴-۴۲۸

۵. شرائط «مُقَرَّباً» را بنویسید و توضیح دهید مراد از لوث برای اثبات قسامه چیست.

شرائط مقرَّب: اهلية المقرَّب بالبلوغ و العقل و اختياره و حرّيته. اللوث: امارة يظن بها صدق المدعى فيما ادعاه من القتل.

* من دعا غيره ليلاً فاخرجه من منزله بغير سؤاله فهو ضامن له ان وجد مقتولاً بالدية على الاقرب اما ضمانه فى الجملة فهو موضع وفاق و اما

تخصيصه الضمان بما لو وُجِدَ مقتولاً ... ۴۶۵/۴

۶. أ. منظور از «بغير سؤاله» و «فى الجملة» چیست؟ ب. علت تخصيص ضمان به آن جایی که شخص مقتول یافته شود را بنویسید.

أ. یعنی من غير سؤال المدعو الخروج من الدار. یعنی مدعو هیچ کاری برای خروج ندارد. فى الجملة یعنی اعم من القصاص و الدية.

ب. لاصالة البرائة من الضمان ديةً و نفساً حتى يتحقّق سببه و هو فى غير حالة القتل مشكوك فيه.

۷. عبارات را توضیح دهید.

أ. تعتبر آلة القصاص حذراً من السّم و خصوصاً فى الطرف. ۴۶۶/۴ ب. لا يجوز التمثيل بالجاني و لو كانت جنايته تمثيلاً.

أ. وسیله ای که به وسیله آن می خواهیم شخص را قصاص کنیم باید آزمایش شود تا مطمئن شویم مسموم نیست خصوصاً وقتی که می خواهیم

قصاص عضوی را انجام دهیم که در این صورت وی نباید کشته شود در حالی که اگر وسیله قصاص مسموم باشد وی کشته می شود.

ب. یعنی: مثله کردن جانی جایز نیست گرچه جنایتی که خود او مرتکب شده مثله کردن مقتول بوده است.

* لو تکرّرت السرقة و لم يرافع بينها فالقطع واحد و تظهر الفائدة فيما لو عفا من حکم بالقطع له. ۳۶۴-۳۶۳/۴

۸. عبارت را توضیح داده، فایده آن را بنویسید.

اگر کسی چند مرتبه سرقت کند اما در بین آنها از او شکایت نشود و مورد مرافعه و قضاوت واقع نشود و بعد از چند دقیقه سرقت دستگیر

و مورد محاکمه واقع شود یک مرتبه حکم به قطع نمودن دست او می شود و تنها یک دستش قطع می گردد. فایده این بحث در جایی روشن

می شود که اگر کسی که حکم به قطع نمودن برای او شده باشد از گناه سارق بگذرد و او را عفو کند دیگر دستش قطع نمی شود.

* و يقتصّ للمرأة من الرجل فى الطرف من غير ردّ حتى تبلغ دية الطرف ثلث دية الحرّ فصاعداً ... ۴۱۱/۴

۹. ضمن تبیین مسأله، حکم بلوغ دية الطرف به ثلث دية الحرّ را بیان کنید.

اگر مردی جنایتی را بر زنی وارد کند و عضوی از آن زن را ناقص کند، از آن مرد قصاص می شود و چیزی به مرد برگردانده نمی شود تا

زمانی که دية عضو زن به یک سوم دية کامل مرد حرّ برسد که بعد از آن دية زن نصف دية مرد خواهد بود.